

پارلمان‌های آنگار، بغداد و تهران از دیروز تا امروز

در کشور عراق، نخستین مجلس نمایندگان در سال ۱۹۲۵ میلادی به دستور پادشاه وقت ملک فیصل اول تشکیل شده اما آن دوران تا اعلان جمهوری در سال ۱۹۷۰ و سپس کودتای صدام حسین تا پایان دوران بعث، پارلمان هیچگاه نقش مهم و تعیین کننده‌ای نداشته است. ولی از سال ۲۰۰۳ میلادی و دوران تأسیس عراق نوین تاکنون، پارلمان، به یک نهاد قدرتمند تبدیل شده که علاوه بر قانونگذاری، اختیارات مهمی همچون تعیین نخست‌وزیر و رئیس جمهوری را نیز در دست دارد. در ایران نیز در هر دوره پهلوی، مجلس، هیچگاه نتوانست به یک نهاد قدرتمند و تعیین کننده تبدیل شود و سنت قدرت پادشاهی، توان و اختیارات نظامی او و عامل حیاتی و مهمی به نام ثروت نفتی، عملاً مجلس را بی‌خاصیت و ناتوان کرد. اما پس از پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، در ایران نیز میزان قدرت و اهمیت مجلس، نسبت به دوران پهلوی تغییر کرد. با این تفاوت که در ایران، تعیین رهبر و رئیس جمهوری درید اختیارات مجلس نیست و فقط وزیر امور و برخی مقامات دیگر هستند که باید از نمایندگان، رأی اعتماد بگیرند. با این حال، سه رکن مهم قانونگذاری، نظارت و حق اظهار نظر نمایندگان در مورد همه امور، از حوزه‌های اختیارات نمایندگان در مجلس ایران است که البته در دوده‌های اخیر، به طور مداوم، شاهد ضعیف‌تر شدن مجلس در تمام این حوزه‌ها بوده‌ایم.

در ترکیه و عراق نیز در مورد نقش، جایگاه و قدرت پارلمان شاهد تغییرات مهمی بوده و هستیم. واقعیت این است که در تاریخ قریب به یک سده جمهوری ترکیه، آنچه که به نقطه ضعف پارلمان این کشور تبدیل شده، دو موضوع بوده است: نخست بروز چند کودتای نظامی مهم در سال‌های ۱۹۶۰ میلادی، می‌میلادی و ۱۹۹۷ میلادی. عامل دوم، تشکیل دولت‌های ائتلافی ضعیف بوده که مشکلات و آسیب‌های آنها به ساختار احزاب ترکیه ربط داشته و نه به ساختار مجلس و قانون اساسی. در ترکیه، پارلمان همواره نهادی معتبر، قدرتمند و شایان احترام بوده و تأییدش از تحولات جدید سالیان اخیر، تعیین رئیس جمهوری به نمایندگان مجلس بود. اما حالا که نظام ترکیه از پارلمانی به ریاستی تغییر کرده، بخش قابل توجهی از قدرت پارلمان به رئیس جمهوری منتقل شده و در ترکیه نیز، پارلمان، از کار آبی و نفوذ گذشته برخوردار نیست. اما قانونگذاری، نظارت و اظهار نظر، هنوز هم در ساختار سیاسی ترکیه از نمادهای مهم قدرت و نفوذ سیاسی نمایندگان است.

نمی‌دهند که مجلس وظایف خود را بدرستی انجام دهد، بلکه زمینه آن را فراهم می‌کنند که نمایندگان نه در مسیر خواست و مطالبات مردم بلکه در خدمت منافع حزبی و جناحی آنان، گاه به حرف بیایند و گاه خاموش شوند. با نگاهی به سخنرانی‌ها و نطق بخش قابل توجهی از نمایندگان مجلس در ایران، این واقعیت تلخ را به وضوح می‌بینیم که میزان دانش، تخصص، شناخت حوزه‌های مرتبط با کمیسیون‌های مختلف، به روز بودن، تسلط بر وظایف و تعهد در قبال رأی دهندگان، در حد بسیار نازل و ناچیزی است و کم نیستند نمایندگانی که مجلس را به چشم بازار مکاره‌ای برای معامله، تبانی و توافق‌هایی نگاه می‌کنند که خروجی آن، تأمین منافع فردی و باندی باشد و نه اندیشیدن به خواست و مصلحت مردم و کشور.

وقتی که از حیث میزان اعتبار، کاریز ما و توان نظارتی و حقوقی، به بررسی وضعیت پارلمان در سه کشور مزبور می‌پردازیم، می‌توانیم این واقعیت را به وضوح مشاهده کنیم که برای ارزیابی جایگاه پارلمان، صرفاً نمی‌توان به توصیف جایگاه حقوقی و اختیارات پرداخت و به نظر می‌رسد چند و چون و ماهیت برگزاری انتخابات پارلمان، یک مقوله بسیار مهم و حیاتی است.

در یک جمع بندی کلی باید گفت: در کشورهای که به نظام انتخاباتی و فعالیت پارلمانی آنها اشاره شد، فعالیت سیاسی، تشکیل احزاب، مراجعه به رأی مردم، برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس، نزدیک به یک سده سابقه و پیشینه دارد. با این حال، هنوز هم در حوزه‌هایی همچون برقراری عدالت، ایجاد نظام کارآمد سیاسی و اجرایی، تثبیت دموکراسی و مردم‌سالاری و رسیدن به سطح قابل قبولی از توسعه سیاسی، فاصله‌ای بسیار طولانی وجود دارد و دموکراسی و پارلمان، جسم و کالبد دارد، اما بیانی جان و فاقد روح یا ناز و نیمه جان.

کرسی تعریف شده و پارلمان ۳۲۹ کرسی دارد. در ترکیه، به ازای هر ۱۴۰ هزار نفر یک کرسی در پارلمان وجود دارد و این کشور ۸۲ میلیون نفری ۶۰۰ کرسی دارد اما در ایران که جمعیت آن با ترکیه برابری می‌کند، به ازای هر ۲۷۳ هزار نفر یک کرسی داریم و مجلس شورای اسلامی، ۲۹۰ کرسی دارد. شاید اگر در شرایط فعلی پیشنهاد افزایش تعداد کرسی‌ها مطرح شود، خیلی‌ها بگویند تأمین هزینه افزایش تعداد نمایندگان دست کم در شرایط فعلی میسر نیست. اما موضوعی که از این مهم‌تر است، اشاره به چنین واقعیتی است که اگر پارلمان، کارآمد و توانمند نباشد و نمایندگان نتوانند به وظایف خود

عمل کنند، حتی دو برابر و سه برابر کردن تعداد کرسی‌ها، نمی‌تواند دردی را درمان کند. چرا که اولاً معضل اصلی در مجلس ایران، بحث فیلترها و نظارت‌هایی است که مانع از ورود بسیاری از نیروهای توانمند به مجلس می‌شود و دوم اینکه اساساً در ساختار سیاسی و حکومتی ما، هنوز هم تابعیت از قانون و احترام به جایگاه نظارتی مجلس، نه تنها از سوی دولت، بلکه از طرف نهاد‌های حاکمیتی دیگر، قوه قضائیه، نیروهای نظامی، رسانه‌ها و دیگران، پذیرفته نشده است و یک نماینده، یا به خاطر دلایل منفعت و مصلحت شخصی در مورد مسائل مختلف به شکل خُرو آزادانه موضع نمی‌گیرد یا اینکه اگر موضع بگیرد، نه تنها فرد و نهادهای از او حمایت نمی‌کنند، بلکه در دور بعدی انتخابات نیز، بر اکتی با سدر د صلاحیت روبه‌رو شده و از ورود به مجلس باز می‌ماند.

مقایسه جایگاه پارلمان و اهمیت آن در نظام سیاسی بین سه کشور ایران، ترکیه و عراق، این واقعیت را به نمایش می‌گذارد که در عراق، پارلمان به عنوان یک نهاد قدرتمند که تعیین کننده نخست‌وزیر و رئیس جمهوری کشور است، عملاً کانون قدرت و نظارت است. اما در میدان عمل، مشکلاتی همچون سهم خواهی و دموکراسی توافقی در کنار ریشه دواندن فساد در ارکان نهادهای سیاسی و احزاب، بخش قابل توجهی از نیروی اثرگذاری پارلمان عراق را گرفته است.

در ترکیه، با توجه به تغییر نظام سیاسی این کشور از پارلمانی به ریاستی، پارلمان از توان و قدرت تعیین کنندگی پیشین برخوردار نیست اما جایگاه اجتماعی، توان اثرگذاری بر هدایت افکار عمومی، رسانه و جامعه، هنوز هم سر جای خودش است و از این گذشته، «نماینده مجلس» در فرهنگ سیاسی و حوزه عمومی ترکیه، یک صدای رسا و چشم‌ناظر است که می‌تواند بدون ترس و وا همه، در مورد همه مسائل کشور اظهار نظر کند. در سالیان اخیر، در ترکیه نیز لطماتی به فرهنگ دموکراسی وارد شده و بخش قابل توجهی از قدرت پارلمان، قربانی نگرش تمامیت خواهانه ائتلاف حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی شده است. اما هنوز هم در مسائل مهمی همچون اصلی‌ترین مأموریت پارلمان یعنی قانونگذاری، نظارت بر بودجه، مداخله نظامی در کشورهای دیگر، ارائه بسته‌های اصلاح‌گرانه برای رفع مشکلات دستگاه قضا، حوزه بهداشت و آموزش و حوزه‌های دیگر، پارلمان یک نهاد اثرگذار و مهم است. در ایران، علاوه بر آنکه اختیارات و توان مجلس در مقایسه با عراق و ترکیه در سطح پایین‌تری است در همان حوزه نسبتاً محدود هم، دست کم در یک دهه اخیر، مجلس شورای اسلامی همواره روندی روبه پایین راطی کرده و به طور نسبی اما مشهود، علاوه بر کارکرد، اعتبار خود را نیز از دست داده است. علاوه بر مشکل نظارت استصوابی که حتی یک دهم آن در پارلمان‌های عراق و ترکیه دیده نمی‌شود، مشکل دیگری هم در سالیان اخیر بر جسته شده که حاکی از بدعت‌های مجمع تشخیص مصلحت، پاسخ‌گو نبودن دولت، قوه قضائیه و نهادهای دیگر به مجلس است و علاوه بر این بخشی از نیروهای سیاسی، با استفاده از انواع و اقسام ابزارها، نه تنها اجازه